

درا فاح نوحه

نحوه

مجموعه نوحه های عاشورائی

یوسف لرستانی

لَهُ الْحَمْدُ
لِلّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

در فاصله نوحه

نحوه های ساده

مراثی محرم و صفر

نوحه های عاشورائی یوسف رحیمی

همراه با سبک های جدید

تقديم به خونخواه شهيدان مظلوم كربلا

حضرت بقية الله الاعظم علیہ السلام



فصل اول

زمزمہ

ماه عزا / زمزمه

آقای خوبم مشکی پوشیده

تو باغ چشماش لاله دمیده

غصه نخور آقا جون ، حرم هنوز آب داره

شبای بی تابی رقیه مهتاب داره

چه شور و شوقی گرفته عالم

برا عزاداری محرم

با پر چمای مشکی ، تو کوچه ها غوغای شد

خیمه ماتم برپا ، با دستای زهراء شد

سفیر عشقم به روی بام

قبول کن این آخرین سلامم

روضه خون تو با این ، لبای پر پر می شم

من نائب تو هستم ، برا تو بی سر می شم

کاروان عاشق / زمزمه

غروب این دشت چه حالی داره
علقمه آب زلالی داره

تو قاب چشماش حala ، افتاده عکس مهتاب
داره می خونه روضه ، برای طفلی بی تاب

چه حجّی برپا می شه در اینجا
که می شه این دشت قبله دنیا

این سرزمین کربلاست ، منای زینب اینجاست
فردا توی موج خون ، تموم این دشت دریاست

کربلا می شه دشت شقایق
از خون سرخ گل های عاشق

خیره می شه هر چشمی ، فردا به سوی نیزه
می ره سر خورشید زهرا به روی نیزه

زخم سیب

یاس سه ساله / زمزمه

باور نداشتم بیای به اینجا

خوش او مدی به خرابه بابا

دیروز رو نیزه بودی ، هستی حالا رو زانوم

تا شدی مهمون من ، خوب شده درد پهلوام

این همه رنج و بلا کی دیده؟

خورشیدو رو نی، بابا کی دیده؟

هر چی دویدم بابا ، باز نرسیدم بابا

رو نی بودی چشماتو ، از دور بوسیدم بابا

صورت می‌ذارم رو صورت تو

دوباره می‌شم هم صحبت تو

داداش علی اکبر کو؟ ، قنداقه اصغر کو؟

به من بگو باباجون ، عمومی آب آور کو؟

دو ماہ زینب / زمزمه

قبول کن از من این هدیه‌ها رو
نشکن دل غرق خون ما رو

از نگاه‌اشون پیداست ، شور شهادت دارن
بدار فدائیت باشن ، اگه لیاقت دارن

از تو داره خواهرت یه حاجت
بدار بشه باز دعام اجابت

از همه سخت‌تر واسهم ، تو این غروب غم‌ها
اینه بیینم آخر ، تو رو غریب و تنها

گل‌های زینب بی تو غمینند
نذار که من رو اسیر بیینند

نذار مدینه تکرار ، بشه براشون اینجا
سیلی بشه سهم من ، پیش چشاشون اینجا

یادگار مجتبی / زمزمه

تو بی قرای می دونم عمه

از من نخواه که بمونم عمه

تو دل میدون غوغاست ، عمومی خوبم تنهاست

می خوام ببینم من هم ، دستام شبیه سقا است

بارون غم از چشام می باره

دیگه دل من آروم نداره

پروانه می شم دور سر عمو می گردم

گفته بابام که تو رو ، نذر حسینم کردم

دستامو می دم تا پر بگیرم

آرزومند اینه برات بمیرم

دستام شباهت داره ، حالا با دست زهراء

به یاد داغ کوچه ، ناله زدم وا امّا

ماه قیلە / زمزمه

چە نوجوون بى ادعايى

گرفته حالا اذن رهایى

بدرقه شد قاسم با ، اشک چشای ارباب

از دل خيمە تابيد ، شبىھ قرص مهتاب

تو هم شبىھ بابام كريمى

هوامو دارى تو اين يتيمى

سفره عشقت پنه ، بذار سهيم شم من هم

شبىھ اصحاب تو ، ذبح عظيم شم من هم

نكش پاتو رو زمين اميدم

تو قد كشيدى و من خميدم

خوب مى دونى كه سخته ، تحمل اين ماتم

منو بخونى اما ، كاري نiad از دستم

شہید شش ماہہ / زمزمه

میون این گریه‌های مادر

تبسمی کن برای مادر

آروم جون مادر ، داری ز دستم می‌ری

گلوت چرا تیر خورده ، بدون هیچ تقصیری

بی‌تابی تو فایده نداره

دیگه عمو نیست که آب بیاره

لبای تو خشکیده ، پریده رنگت اصغر

نداری تاب گریه ، برات بمیره مادر

برای رفتن چه بی‌قراری

اما عزیزم زره نداری

جز با سه شعبه دشمن ، جواب نداره ای وای

غنجه‌ای که خشکیده ، گلاب نداره ای وای

آنه محمد / زمزمه

خون علی در رگ تو جاری

گفتی که از مرگ باکی نداری

همه می گن که انگار ، زنده شده پیغمبر

این دم آخر خیلی ، شدی شبیه مادر

بی تابی از تو نگات می باره

می دونی خیمه آبی نداره

عطش بهونهست تا که ، به من بگی دلدارم

دل بکنم من از تو ، نگاه ازت بردارم

ماه جوونم چشاتو وا کن

فکری به حال دل بابا کن

او مده عمه زودتر ، از من کنارت بابا

تا جون ندم از داغت ، تا که نمیرم اینجا

تعالی عطشان / زمزمه

بیین سکینه با چشم گریون

می پرسه از من کجاست عموجون

من چی بگم که خیمه، آروم بگیره بی تو

پاشو بیین که یاسم، داره می میره بی تو

خدا می دونه که چی کشیدم

وقتی رو خاکا دستان تو دیدم

هم علم و هم مشک آب آورم افتاده

با صورت از رو مرکب، برادرم افتاده

چه کرده داغ تو با دل من

تیر سه شعبه، عمود آهن

تا افتادی از مرکب، انگار پیچید بوی یاس

انگار با ناله مادر، می گفت: بُنَى عباس

عاشر / زمزمه

به قلب خواهر بده تсла

چی کار کنم با غصه فردا

تو این شب تنها بی ، بمون که ماهم باشی

قول بده در هر لحظه ، پشت و پناهم باشی

مگه مسلمون بین شما نیست

کشن تشنه این طور روا نیست

نفرین بر اون دستایی ، که یاسمو می چینه

دشنه رو بردار ظالم ، زهراء داره می بینه

عمه تو دیدی از بالای تل

بگو که چی شد میون مقتول

دیدی بابامو کشن ، با تیر و دشنه ای وای

بگو بهش آب دادن؟ یا لب تشنه ... ای وای

شام غریبان / زمزمه

پیکر تو که به خون تپیده

سر تو روی نیزه دمیده

دار و ندار خیمه ، هستی خواهر رفته

کنج تنور خولی ، سرت جلوتر رفته

با چشم خونبار ، با حال خسته

می‌رم اسارت با دست بسته

از کوفه تا شهر شام ، یکی می‌گه کو بابام؟

یکی می‌گه وای عمه ، ببین کبوده چشمam

یه کوله بار بلا به دوشش

کم نمی‌شه اما از خروشش

زینب شکوهِ صبره ، همه وجودهِ صبره

خم نمیاد به آبروش ، وقتی که کوهِ صبره

یونس سبزی

فصل دوم

زمینه

السلام على الحسين / دم شروع سینه زنی

یه آبرویی بده ، آقا به این رو سیاه

یه رنگ و بویی بده ، به قلب غرق گناه

داره دلم آخه هوای تو ، زندگی مو می دم برای تو
هر چی دارم بگیر ولی بذار ، شهید بشم تو کربلای تو

«السلام على الحسين»

خیمه‌ها برپا شدن ، شمیم ماتم رسید
از طرف کربلا ، عطر محرم وزید

شمیم سیب تربت آقا ، پیچیده توی هیئت آقا
آخر منو یه روزی می کُشه ، غصه و غم و غربت آقا

«السلام على الحسين»

تموم هستیم تویی ، فکر می کنم عاشقم
دلت رو که می شکنم ، یعنی که نالایقم

ردم نکن که بی پناه می شم ، بدون تو اسیر آه می شم
بدام آقا ولی اگه بخوای ، با نگاه تو روبه راه می شم

«السلام على الحسين»

دارم رو لب هام گله ، از این همه فاصله
مثل همیشه بازم ، جا موندم از قافله

رفتن و دل به آسمون دادند ، عاشقی رو به ما نشون دادند
گذشتن از دنیا به راحتی ، برا تو عاشقونه جون دادند

«السلام على الحسين»

یوسف رحیمی

غريب کوفه / زمينه

تو کوچه‌های کوفه موندم بی‌یار و یاور
غريب و بی‌پناهم اين لحظه‌های آخر

با نگاهی غرق در خون آقا

ناله زدم سوی کوفه نيا

برگرد که وفا ندارن ، اون نامه‌هاشون دروغه
بازاری نیزه و تیر ، این روزا دیگه شلوغه

«عزيز مصطفى برگرد ، آقا کوفه نيا برگرد»

سلام آخرمه روی دارالاماره
شکسته بغضم آخه اينجا با يك اشاره

حلقه زده اشک غم تو چشام
با لب خشك به تو مى دم سلام

انگار مى‌بينم که مى‌شه ، تو خيمه‌ها قحطى آب
با تير سه‌شعبه آخر ، سيراب مى‌شه طفل رباب

کاروان عشق / زمینه

نسیم غربت و غم از خاک تو وزیده

بیین که قافله خون خدار رسیده

کرب و بلا مهمونات او مدن

خیمه توی آغوش تو زدن

ای کرب و بلا تا ابد ، خاک تو می ده بوی سیب

اسمت دیگه می شه عجین ، با اسم حسین غریب

«ماه غم و عزا او مد ، حسین به کربلا او مد»

می بینه مَحْرَمَا رو دور محمل ، یه خواهر

بیین که پا می ذاره رو زانوی برادر

مثل نگاش دلگیره آسمون

خونه دلش از بغضی بی امون

چی می بینه که اینجوری ، جونش به لبس رسیده

انگار که داره می بینه ، ماهی روی نی دمیده

زخم سیب

یاس سه ساله / زمینه

بدون تو بابا جون هرشب چشمam می باره
همه می گن رقیه گریه اندازه داره

اینجا کبود می شه پلک ترم
وقتی بابا اسمت رو می برم

رو نیزه تو بازار شام ، دستم به سرت نرسید
اما پیش چشمای من ، سنگی پیشونیتو بوسید

«ناز منو بخر بابا ، بیا منو ببر ببابا»

دل شکسته من زخمی از این فراقه
نبودی که بیینی افتادم از رو ناقه

رحمی نکرد به فریادم بابا
عمه نبود جون می دادم بابا

یک دنیا مصیبت و غم ، می شه توی این چشا دید
حالا دیگه خوب می دونم ، مادر تو کوچه چی کشید

آزاده کربلا / زمینه

اگرچه منم آقا بندۀ رو سیاهت
من او مدم که باشم تا آخر در پناهت

گرچه بدم دُرم کن یا حسین
با یه نگات حُرم کن یا حسین

خون کردم آقا می دونم ، قلب تو و خواهر تو
اما او مدم که باشم ، نذر علی اکبر تو

«چی می شه کربلایی شم ، به راه تو فدایی شم»

به خوبی تو آقا توی عالم ندیدم
خوب می دونی که چیه آرزو و امیدم

سینه من لبیز از حسرت
 حاجت من اذن شهادت

من می رم و کشته می شم ، آقا فدای سر تو
می شم اینجوری رو سپید ، فردا پیش مادر تو

یادگار مجتبی / زمینه

کنار قتلگاهت از دحامه عموجون

تو خیمه نمی‌مونم میام به سوی میدون

من بمیرم رو خاکاست پیکرت

مونده هنوز آخرين یاورت

تا دور تو حلقه زدن ، تا نیزه‌هاشونو دیدم

هر طوری که شد از حرم ، تا قتلگاهت رسیدم

«بذار که رو سپید باشم ، بذار منم شهید باشم»

برام بودی شبیه ببابای مهربونم

دلت میاد بری و بی تو تنها بمونم

بالا می‌ره شمشیر دشمنات

می‌شه سپر دستای من برات

مقتل کوچه مدینه ، من هم مشه مادر تو

من کشته راه توام ، دستام فدای سر تو

ماه قبیله / زمینه

زره نداری به تن از دنیا دل بریدی
دیدم میونِ تیر و نیزه‌ها قد کشیدی
سهم تو بود شهادت از ازل

معنا شده احلی من العسل

سخته برا من که تو رو، اینجوری رو خاک ببینم
سخته کنارِ بدنِ ، غرق خون تو بشینم

«تن تو زخمی و پرپر ، منه تن علی اکبر»

یتیم مجتبایی ای وای از غربت تو
آروم آروم می‌ذارم صورت بر صورت تو

پا می‌کشی وقتی که رو زمین
قاتل من می‌شه داغت ببین

ای وای که عموم نتوNST ، هیچ کاری کنه براتو
پاشو که دارم می‌میرم ، واکن دوباره چشاتو

زخم سیب

شید شش ماهه / زمینه

عطش امون نمی ده تو خیمه ها خدایا
امید اهل حرم شد مشک آب سقا
خشکه لبا دیگه از قحط آب

در تب و تاب طفل ناز رباب

موج می زنه آب فرات ، ششم ماهه زبون می گیره
از گریه هاش حتی دل اهل آسمون می گیره
«لالایی ای گل پرپر ، بخواب آروم علی اصغر»

چشام به آسمونه شاید بارون بیاره
خدایا اصغرم از تشنگی جون نداره
من بمیرم که خشکیده لباش
داره می ره رو دستای باباش

کاش حرمله کور بشه و ، زیر گلوشو نینه
تیر سه شعبه نیاد و ، بوسه از گلوش نچینه

آیه محمد / زمینه

داری میدون می‌ری ای نور چشم تر من
کمی بمون کنارم ای روح پیکر من

داری می‌ری جون بابا، علی
روح حرم ماه لیلا علی

زنده می‌شه یاد علی ، اینجا با خروش نگات
اسم مادرم رو ببر ، بین همه رجذبات

«علی اکبرم بابا ، شبه پیغمبرم بابا»

آخه چطور ببینم جسمت در خون نشسته
عصای پیری من پهلوی تو شکسته

حلقه زده دشمن دور و برت
هر کسی برد سهمی از پیکرت

با خنده‌هاشون می‌زنن ، آتیش به دلم پسرم
پاشو ای با غیرت من ، زینب رو ببر تا حرم

سعای عطشان / زمینه

شنیدی خواهشمو اما کردی جوابم

حالا بین که دیگه شرمندۀ ربابم

هستی من بودی ای مشک آب

حالا شده داغ من بی حساب

تو خیمه آل علی ، غوغای عطش رو بین

مهریۀ فاطمه بود ، این آبی که ریخت رو زمین

« شرمندگی نصیب من ، شد آقای غریب من »

بیا بین که آخر سقا حاجت روا شد

شدم فدایی تو دستم از تن جدا شد

غصه نخور مولا و سرورم

مادر تو او مدد بالا سرم

با چادر خاکی غم از ، این پیکر خسته گرفت

بازوی بریده مو با ، اون دست شکسته گرفت

عاشر از زمینه

تو خیمه‌ها می‌پیچه ، امشب بوی غریبی

می‌دونه زینب تو ، فردا شیب الخضیبی

دور سرت می‌گردم تا سحر

هر جا می‌ری زینب رو هم ببر

امشب می‌مونی پیش من ، زینب می‌شه هم سخنست

فردا روی تل می‌بینم ، غارت می‌شه پیرهنت

«غم تو قاتل زینب ، وای امون از دل زینب»

رسیده خواهر من دیگه وقت جدایی

شب وداع منه با یاران خدایی

فردا دیگه روز درد و بلاست

پرچم این نهضت دست شماست

فردا که بیفته علم ، تازه می‌شه اول غم

غارت می‌شه خیمه هامون ، آتیش می‌زنن به حرم

شام غریبان / زینه

مونده به روی خاکا خونین بال و پر تو
نمونده حتی جای بوسه بر پیکر تو

من بمیرم غرق خون شد تنت
پیش چشام غارت شد پیرهنت

تو رفتی و قسمت من ، همراهی قافله شد
روی لالههات کبود از ، دلداری حرمته شد

«کجایی یاور زینب ، عزیزبرادر زینب»

بدون تو می بینم دیگه مرگم رو هر دم
بدون تو نصیبم شد دلتگی و ماتم

کردی طلوع رو نیزه ماہ من
با خبری از اشک و آه من

از غربت و بی پناهی ، می باره چشای ترم
غارت شده خیمه هامون ، کو ساقی اهل حرم
محمد رضا رضایی

فصل سوم

نوحه

غريب کوفه / نوح

کوفه میا که پیمان شکستند

مولانا حسین جان ، مولانا حسین جان

اینجا کمر بر قتل تو بستند

مولانا حسین جان ، مولانا حسین جان

گرچه دل آنها به شوق تو تپیده

هر کوفی اما بر رویت خنجر کشیده

گرچه نصیبم گشته شهادت

در شهر کوفه ، در شهر کوفه

از بیوفایی دارم شکایت

در شهر کوفه ، در شهر کوفه

عهد و وفا ، تقاو و هر چه هست رفته

با برق سکه دینشان از دست رفته

شد بسته دستم در شهر کینه

وای از غریبی ، وای از غریبی

کوفه گرفته رنگ مدینه

وای از غریبی ، وای از غریبی

با روضه‌های دستِ بسته غرق آهنم

این کوچه‌های بی‌کسی شد قتلگاهم

کاروان عاشق / نوح

ماه شکوه و ماه قیام است

ماه محرم ، ماه محرم

آغاز یک راه ناتمام است

ماه محرم ، ماه محرم

در کربلا ارباب محمل می‌گشاید

هر کس هوای کربلا دارد باید

زخم سیب

ای جان زینب نذر نگاهت

جانم برادر ، جانم برادر

همسایه‌ام کن با خیمه گاهت

ای جان خواهر، ای جان خواهر

می‌میرم از دلتنگی شب‌های این دشت

حرفی مزن از ماتم فردای این دشت

این لحن قران خواندن برادر

دارد هوای وصل و رسیدن

باید مهیا گردم برای

اوقات دشوار دل بریدن

ای لحن قرآنی تو تسکین زینب

قرآن بخوان نذر دل غمگین زینب

یاس سه ساله / نوحه

دیدم خرابه عرش خدا شد

وقتی که بابا آمد سر تو

این شام ویران کرب و بلا شد

وقتی که بابا آمد سر تو

دارد تماشا اعتکافم ای پدر جان

تو کعبه و من در طوافم ای پدر جان

پای برنه در این بیابان

دنبال نیزه هر سو دویدم

با طعنه های خار مغیلان

دنبال نیزه هر سو دویدم

خورشید را با دیده ای خونبار دیدم

بابا سرت را روی نی بسیار دیدم

زخم سیب

معراج من شد از این خرابه

تا بی‌نهایت ، تا بی‌نهایت

می‌گیرم از این لب‌های خونین

اذن شهادت ، اذن شهادت

آتش گرفته بال این پروانه امشب

جان می‌دهم در گوشة ویرانه امشب

دو ماہ زینب / نوح

عشق تو در دل، شور تو در سر

مولانا حسین جان ، مولانا حسین جان

گشتم حسینی با شیر مادر

مولانا حسین جان ، مولانا حسین جان

جز تو در این عالم که مولایی نداریم

غیر از شهادت ما تمنایی نداریم

گرچه معاف از حکم جهادم

ای جان خواهر ، ای جان خواهر

سرمایه ام را بر کف نهادم

ای جان خواهر ، ای جان خواهر

هر کس بلایش بیشتر قربش فزون تر

این دسته گل ها تحفه ناچیز خواهر

تا از تعلق رنگی نگیریم

سوی تو آییم با شوق بی حد

درس وفا از زینب بگیریم

مانند عون و مثل محمد

برپاست در دلها به یادش شوق و شوری

زانو زده در مکتب صبرش صبوری

یادگار مجتبی / نوح

عمه نظر کن چشم ترم را

آخر رسیده وقت عروجم

دیگر رها کن بال و پرم را

آخر رسیده وقت عروجم

با دست‌هایم یاور خونِ خدایم

من آخرین برگ کتاب کربلایم

در قلب میدان در بین مقتل

هنگامه برپاست ، هنگامه برپاست

مظلوم عالم دلتنگ و دلخون

نهایی تنهاست ، تنها تنهاست

یک لحظه در یاری او پایم نلرزد

دنیا به یک لبخند آقایم نیرزد

شد باع یاست نشکفته پرپر

آه ای عموجان ، آه ای عموجان

شد حنجر من مانند اصغر

آه ای عموجان ، آه ای عموجان

گلگون شده روی من از خون گلویم

در پیشگاه مادرت با آبرویم

ماه قبیله / نوحه

توفنده می رفت چون موج دریا

تا قلب میدان ، تا قلب میدان

با جلوه های نصر من الله

با شور ایمان ، با شور ایمان

می رفت تا گلگون کند دشت و دمن را

تفسیر سازد هیبت و رزم حسن را

زخم سیب

در هر تبسم می زد جوانه

گلهای شوق و اذن وصالش

در این قفس جز اذن رهایی

مرهم نمی شد بر زخم بالش

قاسم که خود شیواترین نوع غزل بود

خون لبیش تفسیر احلی من عسل بود

چون برگ لاله در دست طوفان

هر سوی این دشت دیدم تنیش را

دیدم چگونه این قوم نامرد

سد کرده راه برگشتنیش را

غرق به خون بال و پر این یا کریم است

در بین میدان سهم او داغی عظیم است

شید شش ناهه / نوح

بر چشم بابا خیره نگاهت

لای لای علی جان ، لای لای علی جان

آغوش بابا شد قتلگاهت

لای لای علی جان ، لای لای علی جان

گلگون شود از خون تو راه حقیقت

آید به زودی بانگ خونخواه حقیقت

از خون حنجر می گیرم اینجا

غسل شهادت ، غسل شهادت

پر می کشم من بر دست بابا

تابی نهایت ، تابی نهایت

یک تیر آمد قلب بابا را نشان کرد

وقتی گل نشکفتۀ او را خزان کرد

پیر و جوان و کودک ندارد

در جود و احسان بی انتهاءند

این خانواده کوچک ندارد

بر روی این خاک نور خدایند

این خانواده از طفویلیت امیرند

باب الحوائج، با مرام و دست گیرند

آسه محمد / نوحه
"

امشب هوای شش گوشه دارم

مثل شهیدان ، مثل شهیدان

تا کربلایت کن رهسپارم

مثل شهیدان ، مثل شهیدان

با بال اشکم می‌رسم تا محضر تو

جانم فدای یک نگاه اکبر تو

تو رفتی اما داغ فراقت

شد قاتل من ، ای حاصل من

شد ارباً ارباً مثل تن تو

بابا دل من ، ای حاصل من

شد روضه خوان من بوی پیراهن تو

آید شمیم یاس پرپر از تن تو

دیدم رسیده عمه کنارت

قامت خمیده ، قامت خمیده

تا که نمیرم از داغت اینجا

ای نور دیده ، ای نور دیده

آه ای جوانان بنی هاشم بیایید

این با غبان خسته را یاری نمایید

سعای عطشان / نوح

اوج وفا و ایشار و تقوا

یعنی ابالفضل ، یعنی ابالفضل

لب تشنه ماندن در بین دریا

یعنی ابالفضل ، یعنی ابالفضل

غفلت نکرده لحظه ای از یاد ارباب

در علقمه زد دست رد بر سینه آب

تا علقمه رفت با اذن ارباب

باب الحوائج ، باب الحوائج

لبریز امید با قلب بی تاب

باب الحوائج ، باب الحوائج

دریا روان شد مشک تشنه روی دوشش

«إنِّي أنا العَبَاس» شد موج خروشش

چشمان مشکت خون گریه می کرد
سقای عطشان ، سقای عطشان
دیدی سکینه چون گریه می کرد؟
امید طفلان ، امید طفلان

صحراء کفن پوشیده بر جسم رشیدت
قربان چشم غرق خون و نا امیدت

عاشر از خم سیب

ما وارثان خون خدائیم

الحمد لله ، الحمد لله

یاران امروز کربلائیم

الحمد لله ، الحمد لله

ما با حسینی های دوران عهد بستیم

با استقامت پشت دشمن را شکستیم

از مرگ بدتر ذلت پذیری است

ای اهل دنیا ، ای اهل دنیا

سازش گری با ظالم حقیری است

ای اهل دنیا ، ای اهل دنیا

در این زمانی که پر از جور و پلیدی است

هر کس حسینی نیست پس بی شک یزیدی است

مانند اصحاب امشب حسین جان

دل بی قراریم ، دل بی قراریم

مانند چشمان قاسم تو

ابر بهاریم ، ابر بهاریم

«یا لیتنا کنا معک» ذکر لب ماست

در راه عشقت جان سپردن مذهب ماست

یاران همه در این خیمه جمundenد

بر گرد مولا ، غرق تمنا

پروانه ها امشب گرد شمundenد

اما چه گوییم ، از صبح فردا

فردا که ذکر هر لبی امن یجیب است

خورشید زینب روی نی شیب الخضیب است

زخم سیب

شام غریبان / نوح

شام غریبان دارد چه سوزی

آه و واویلا ، آه و واویلا

چون خیمه یار باید بسوزی

آه و واویلا ، آه و واویلا

آن شب شروع غربتی بی انتها بود

دیدم سر خون خدا بر نیزه ها بود

دشت بلا و شام غریبان

آه و واویلا ، آه و واویلا

خیمه در آتش ، آواره طفلان

آه و واویلا ، آه و واویلا

زینب گرفته زیر لب ذکر یا زهرا

جسم شهیدان بی کفن مانده به صحراء

داع اسارت / نوح

این پرچمی که غرق به خون است

مانده به دوشم مانده به دوشم

با خیل طفلان راهی شام

رخت اسارت باید بپوشم

آهسته ران ای کاروان وقت جداییست

حال و هوای قلب خونم نینوایست

در شام و کوفه غوغای نمایم

ای یار زینب ، ای یار زینب

شهر ستم را رسوا نمایم

سالار زینب ، سالار زینب

من خطبه می خوانم به لحنی حیدرانه

تن را چه باک از طعنه های تازیانه

زخم سیب

وارث عاشورا / نوح

ای خطبه خوان صبر و بصیرت

فرزند حیدر فرزند زهرا

گشته اسیری هر دم اسیرت

فرزند حیدر فرزند زهرا

بودی تو فاتح! گرچه در زنجیر بودی

در بند رو باهان تو همچون شیر بودی

در شام و کوفه محشر به پا شد

با خطبه هایت ، با خطبه هایت

هر جا که رفتی کرب و بلا شد

با خطبه هایت ، با خطبه هایت

تو فاتح با اقتدار این نبردی

یاد علی مرتضی را زنده کردی

غروب چلم / نوحه

بعد از چهل روز دوری و هجران

ای یار زینب ، ای یار زینب

برگشته ام از فتحی نمایان

سالار زینب ، سالار زینب

با آنکه خونین شد لبت ای قاری من

شد صوت قرآن خواندت دلداری من

هم پای نیزه در این بیابان

و ما رأیت الا جمیلا

پای پیاده ، با کام عطشان

و ما رأیت الا جمیلا

گرچه پر از داغ و غم و اندوه و دردم

یک لحظه از سختی ره شکوه نکردم

رحمه للعاليين / نوح

چشمت رحیم و لطفت قدیم است

یا رحمة الله ، يا رحمة الله

دستت کریم و خلقت عظیم است

یا رحمة الله ، يا رحمة الله

تو خاتم ایمان و عصمت را نگینی

آقا همین بس رحمة للعالمینی

قلب ندارد صبر و قراری

این لحظه‌های جانسوز آخر

با اشک چشمت با سوز آهت

گفتی ز حق زهرای اطهر

قلب تو از اندوه فردا شعله‌ور بود

گویا نگاه تو سوی دیوار و در بود

غَرِيبٌ مُدْنِسٌ / نوحه

تو جلوه ای از حُسن خدایی

مولا حسن جان مولا حسن جان

بنیانگذار کرب و بلایی

مولا حسن جان مولا حسن جان

می بارد از چشم رحیم تو صلابت

صلح تو باشد جلوه های انقلابت

عالَم شده از این غصه مبهوت

مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان

خون گریه می کرد چشمان تابوت

مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان

تیر بلا از پیکر تو بوسه چیده

روی کفن هفتاد آلاله دمیده

زخم سیب

خورشید خراسان / نوح

دل در حریم امن تو شد گم

جانم رضا جان ، جانم رضا جان

ای قبله دل خورشید هشتم

جانم رضا جان ، جانم رضا جان

از کودکی با این حرم مانوس بودم

من ریزه خوار آستان طوس بودم

گشته دل ما ابن شبیبت

جانم رضا جان ، جانم رضا جان

با روضه‌های جد غریبت

جانم رضا جان ، جانم رضا جان

با نینوا چشمان خیست همنوا بود

ذکر لب تو روضه‌های کربلا بود

یونس سبزی

فصل چهارم

واحد

غیر کوفه / واحدا

چشای من چه بارونیه ، سهم دلم پریشونیه

می لرزه قلب خسته من ، آخه تو کوفه مهمونیه

حال و روز منو نگا کن ، مسلم تو غریبه

بیعت کوفیا سرابه ، نامه هاشون فریبه

بر گرد از این شهر بلا ، بی درده کوفه یا حسین

رحمی نداره این دیار ، نامرده کوفه یا حسین

با حال و روز خسته آقا ، با این دل شکسته آقا

امشب به یاد غربت تو ، چشمam به خون نشسته آقا

معنا نداره اینجا آخه ، نه غیرت و وفایی

التماس اینه نکنه ، سمت کوفه بیایی

آبو به روت می بندن و پرپر می شن گلها همه

کوفه میا کوفه میا ، آرام جان فاطمه

کاروان عشق / واحد ۱

داره میاد با شور و نوا ، یک قافله به دشت بلا

با خیمه‌های آقا می‌شه ، خیمه غم تو دلها به پا

هرم عطش داره زمینش ، رنگ عزاست آسمون

می‌شه نصیب اهل حرم ، اینجا دلی غرق خون

می‌باره بارون غم از ، چشمای اهل خیمه‌ها

می‌لرزه قلب بچه‌ها ، تا میاد اسم کربلا

این سرزمین غرق شرر ، از غصه داره می‌ده خبر

یک خواهر شکسته دلی ، داره می‌گه با چشمای تر

ای همه هستی‌ام توبی که ، با غربت آشنایی

آخه بگو چرا این زمین ، داره بوی جدایی؟

می‌خونی ای امید من ، با چشمای غرق به خون

پیش چشای خواهرت ، انا الیه راجعون

زخم سیب

یاس سه ساله / واحد ۱

دیدم تو رو تُو آسمونا ، پر زد دلم برا تو بابا

بی تو بهونه داره دلم ، امشب پیش رقیه بیا

بارونیه اگه که چشام ، حال منو می دونی

آرزومنه یه شب بباباجون ، کنار من بمونی

با حسرت یک بوسه از ، اون لب‌های غرق به خون

آتیش زده قلب منو ، گل بوسه‌های خیزرون

خون از لب تو جاری شده ، کار من آه و زاری شده

دیدم رو نیزه سنگ بلا ، سهم لبای قاری شده

من بمیرم که غم‌های تو ، یکی دو تا نبوده

مثل چشای من بباباجون ، چرا چشات کبوده

بابا نگاهت غرق خون ، بابا لب تو پرپره

دیشب کجا بودی مگه؟ روی موهات خاکسرته

دوماه زینب / واحد ۱

طااقت نداره این دل من ، اشک تو می شه قاتل من
قدت داره شکسته می شه ، آروم آروم مقابل من

با پر چادرم خونو از ، چهره تو می گیرم
باشه آقا سرت سلامت ، خودم برات می میرم

خودم که هیچ حسین من ، تموم زندگیم فدات
این دو تا نوجوون من ، می شن فدای بچه هات

حالا ببین دو لاله من ، دارن کفن برا تو به تن

اینه تموم حاجتشون ، پای تو جونشونو بدَن

داره حکایت از حال من ، بعضی که تو گلومه
این که فدائی تو بشن ، تموم آرزومه

بذار بشه تو کربلات ، نورانی آسمونشون
بذار رو پای تو باشه ، سرهای غرق خونشون

یادگار محبی / واحدا

حضرت می باره از تو نگاش ، اشک غریبیه تو چشاش

می بینه تنها موند عمو ، تاب و قرار نموند براش

دنیا براش شده یه قفس ، نمی تونه بمنه

هر طوری که شده خودشو ، به عمو می رسونه

حلقه زده دور عمو ، با تیر و نیزه لشکری

داره میاد از قتلگاه ، انگار صدای مادری

داره دلش هوای عمو ، می خواب بشه فدای عمو

حالا با دستای کوچیکش ، می شه سپر برای عمو

غصه نداره توی دلش ، به آرزوش رسیده

با روی لاله گون به پیش فاطمه رو سپیده

میاد دوباره حرمله ، بازم گلی پر پر می شه

باز روی دست باغبون ، آلاله ای بی سر می شه

ماه قبیله / واحد ۱

آئینه یل جملی ، داری شکوه بی بدلی
گفتی برای تو شهادت ، شیرین تره زِ هر عسلی

کرب و بلا حیرونه از ، شوق شهادت تو
می ری ولی بذار بمونه ، نقاب رو صورت تو

خوب می دونی کینه دارن ، این بی وفاها از ببابات
ترسم اینه آخر بشه ، مثل علی قد و بالات

در بین حمله ای بی امون ، من رو صدا زدی عموجون
آخه تو رو چطور ببینم ، با این چشای غرق به خون

سوی تو من رو می کشونه ، شمیم پیرهن تو
سوره یوسفم چرا شد ، آیه آیه تن تو

وا کن چشاتو جون من ، تا جون ندم از ماتمت
سخنه برا من داغ تو ، می ری با این سِنْ کمت

زخم سیب

شید شش ماهه / واحد

چی میشه که بارون بگیره ، آخه علی داره می میره
آتیش زده عطش به لباش ، لب هایی که منه کویره
آجی نمونده توی حرم ، لبا چه نیمه جونه
با یه دل بی صبر و قرار ، رباب داره می خونه

لا لا لایی اصغرم ، آروم جون من بخواب
شاید کمی آروم بشی ، شاید بینی خواب آب

ششم ماهه غرق شور و نوا ، میدون می ره رو دست بابا
بر پاست خروش و ولله ای ، بارونی میشه آسمونا
بارون تیره که می باره ، حالا به سوی اصغر
تاب سه شعبه رو نداره ، اما گلوی اصغر

آخر رسید به آرزوش ، ششم ماهه خون خدا
قنداقه شد و اسه ش کفن ، بر روی دستای بابا

آیه محمد / واحد ۱

ای روشنی چشم ترم ، ای دلخوشی اهل حرم
داری می‌ری بذار ببینم ، خوب قد و بالاتو پسرم

دنیای آرزو و امید ، توی نگامه امّا
این دم آخری نگاهت ، شده شبیه زهرا

هر دشمنی به سوی تو ، با بعض و کینه می‌رسه
از هر کجای این زمین ، بوی مدینه می‌رسه

از دنیا دیگه دل بریدم ، تا ناله تو رو شنیدم
تو زانوهام نمونده رمق ، جسمم رو رُو خاکا کشیدم

حالا سرت رو پای منه ، بابا چشاتو وا کن
تا کنارت نمیره بابا ، بازم منو صدا کن

رفتی ز دستم هست من ، دیر او مدم بالا سرت
چیزی نمونده از تنت ، شد ارباً ارباً پیکرت

سعای عطشان / واحد ۱

آقا فدای مهر و وفات ، لب تشنه رفتی سوی فرات
سیرابه مشکه تو ولی باز ، سقای تشنه خشکه لبات

می سوزه قلب خسته تو ، اینجا یه دریا آبه
لب تشنه یه قطره آب ، ششماهه ربایه

می نوشن از آب فرات ، این نامسلمونا همه
خشکه ولی از تشنگی ، لب های آل فاطمه

شد محشری دوباره به پا ، دور و برت تو دشت بلا
قلبت به خون تپیده آخه ، راه حرم رو بستن آقا

نقش زمین شده آقاجون ، مشک و علم بمیرم
من الهی برا تو و اون ، دست قلم بمیرم

باغ امیدت پرپره ، حالا شبیه مشک تو
با یک سه شعبه رفت ز دست ، چشمای غرق اشک تو

عاشر / واحد

طااقت نداره داغ تو رو ، این قلب من فراق تو رو
از کی بگیره زینب تو ، آقا دیگه سراغ تو رو

داری می‌ری ولی به سوی حرم داری نگاهی
تنها نذاری خواهر تو ، که سخته بی‌پناهی

می‌گم با قلبي غرق خون ، با اشکاي جاري حسین
داری می‌ری اما منو ، تو به کی می‌سپاري حسین

می‌باره چشمای ترمون ، تو این وداع آخر مون
یک بوسه از گلوت می‌گیرم ، حالا به جای مادر مون

حرف جدایی می‌زنی تو ، چطور آروم بشینم
آخه چطوری من می‌تونم ، رفتنتو بیینم

این لحظه آخر بین ، شد غرق خون چشمای من
وقتی که تو از خواهرت ، خواستی یه کنه پیرهن

شام غریبان / واحدا

توى ديار كربه بلا ، وقت نماز عشقه حالا

هستى شو روی دست می گيره ، عاشقونه به راه خدا

تو قنوتش به آسمونا ، پر زد علی اصغر

تو رکوعش برداشته ز خاک ، جسم علی اكبر

روی خاکا سر می ذاره ، تو سجدههای آخرش

معراجشہ از قتلگاه ، رو نیزهها می ره سرش

حالا به قتلگاه رسیده ، بانویی با قد خمیده

جسم حسینشو می بینه ، با حنجری به خون تپیده

وقتی رسید کنار حسین ، که پیکری نمونه

با دلی بی قرار می بینه ، دیگه سری نمونه

می گه خدایا کن قبول ، با لطفت از آل رسول

تو اين شهید بی سرو ، اين پاره قلب بتول

DAG اسارت / واحد ۱

دیدی یه دنیا داغ و عزا ، اما آقا بگو که چرا

تا صحبت از غریبی میشه ، میخونی از دیار بلا

میخونی با دلی پُر خون ، از بی حیایی شام

از بی کسی قافله و ، از سنگای رویِ بام

یادت نمی‌ره لحظه‌ای ، زخم زبون و هلهله

روی کبود لاله‌ها ، دلداری‌های حرم‌له

قلبت اسیر ناله شده ، چشمات به رنگ لاله شده

فکر می‌کنم که قاتل تو ، آقا غم سه ساله شده

وقتی که می‌دیدی نگاهش ، خیره به سوی نیزه‌ست

حرف می‌زنده غریبونه با ، سری که روی نیزه‌ست

می‌گفت با اشکی بی‌امون ، آه ای بابای مهریون

تا دیر راهب رفتی که ، یک شب بیا پیش بمون

غروب چلم / واحدا

بعد از چهل غروب بلا ، یک کاروان رسیده حالا

اون باغ یاس که رفته سفر ، برگشته مثل لاله چرا؟

قاشه از دیار ستم ، به کربلا رسیده

اما با صورتایی کبود ، با قدھایی خمیده

لبریز از تب او مده ، هر جونی بر لب او مده

یک کاروان نیمه جون ، همراه زینب او مده

از غم نموندہ بی نصیبی ، با اشک و آه و بی شکیبی

زینب کنار قبر حسین ، می خونه روضه غریبی

از نگاه پریشون من ، چه غمها که می خونی

بوده سر تو همراه من ، غصه هامو می دونی

از شام و کوفه یا حسین ، دارم غمای بی کرون

برگشتم اما سر بلند ، برگشتم اما قد کمون

رحمه للعائين / واحد

چشم ملائکه بارونی ، غرق عزا و نوحه خونی

پر می کشه تا عرش خدا ، آخه آقای مهربونی

رفته سفر اون آقایی که ، داشت نگاه رحیمی

مونس هر غریبی بود و ، بابای هر یتیمی

دم می گیره با فاطمه ، حالا زمین و آسمون

انا الیه راجعون ، انا الیه راجعون

تا رفت آقا توی کوچه ها ، اجر رسالتش شد ادا

واسه تسلا میان اگه ، تو دستاشون آتیشه چرا

کی مدینه می ره ز یادش ، اون لحظه های نیلی
باغ گل و آتیش بلا ، صورت یاس و سیلی

وای از هجوم بی هوا ، وای از هجوم بی خبر
شد روشه خون فاطمه ، دیوار و در ، دیوار و در

غريبه زخم سيب

دیگه سحر میشه شب غم ، راحت میشه ز شهر ستم

از بیوفایی خونه دلش ، داره میره با قامتی خم

خوب میدونه که رفتنيه ، با قلب پر شراره

زخمی که داره توی دلش ، هیچ مرهمی نداره

گرچه جگرپاره شده ، از سوز این زهر بلا

جون داده اما آقامون ، چل سال پیش تو کوچهها

تو چشماش اشک غم میشينه ، دلگيره خيلي از مدینه

آخه هنوز جلوی چشاش ، کابوس کوچه رو میبینه

میبینه باع ياسى رو که ، غريبونه سوزوندن

اون آقای غریبی رو که ، تو کوچهها کشوندن

چل سال گذشته اما باز ، دستاي بسته يادشه

چشمای خيس مادر پهلو شکسته يادشه

خُورشید خراسان / واحد

پر می گیره دلم به هوات ، با شوق مرقد با صفات
یک گوشه چشم تو کافیه ، تا که بشم من از زائرات
رو سیاهی من رو نبین ، کرامت زیاده
خوب می دونم نگاهت آقا ، سوی باب الجواهه

وقتی نگاهم می کنی ، می شم رها از درد و غم
فرقی نداره با بهشت ، آخه برا من این حرم

من که به عشق تو اسیرم ، می خوام ازت حاجت بگیرم
چی می شه پای روضه تو ، از غصه های تو بمیرم
از بی وفایی زمونه ، آقا چه ها کشیدی
از کوچه ها که می او مدی ، بر سر عبا کشیدی

این لحظه های آخری ، با قلبی غرق تاب و تب
داری به زیر لب می گی ، ای وای حسین تشنه لب

یوسف رحیمی

غیرب کوفه / واحد ۲

دنیایِ کوفیا کوچیکه آقاجون

دنیاشون خلاصه می‌شه به آب و نون

بی معناست اینجا روح غیرت و وفا

اینجا نیست اصلاً از آزادگی نشون

دنبال غنیمت و سهمند، از حیا چیزی نمی‌فهمند

نمی‌دونی که چه بی‌رحمند

به نامردی معروفه، فردا هر جای کوفه

صد روپه مکشوفه

«برگرد میا کوفه»

هر کسی لباسِ رزمشو می‌پوشه

هر جای کوفه غرق شور و خروشه

رونقی نداره بازار شهادت

اما تیر و نیزه خیلی پُر فروشه

کوره‌ها پر سوز و گدازه ، هر کسی سلاحی می‌سازه
یکی می‌سازه نعل تازه

اما حرم‌له داره ، نذر سر شیر خواره
سه شعبه‌ها میاره

کاروان عشاق / واحد ۲

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ
ای یاران من اینجاست و عده‌گاه ما
بدونه هر کس داره شور شهادت
اینجاست قتلگاه عاشقای خدا

میون این همه بلاها ، حقیقت می‌شه بازم احیا
اما روی نیزه‌ها فردا

می‌شه بی اثر تزویر ، این دین می‌شه عالمگیر
خون پیروزه بر شمشیر

«هیهات مِنَ الذَّلَّةِ»

هر کس عاشق نیست اینجا نمیاره تاب
اینجاست قحطی رحم و مروت و آب
ریخته می‌شه اینجا خون پیر و جوون
حتی می‌شه پرپر آله رباب

مصیبت اینجا بی‌امونه ، اینجا سرزمهین جنونه
هر کسی عاشقه بمونه

می‌شه غرق خون پرها ، پیش چشم مادرها
رو نیزه می‌ره سرها

«هیهات مِنَ الذَّلَّةِ»

یاس سه ساله / واحد ۲
رفتی و دلتگی معلومه تو نگام
رفتی و می‌لرزه بی تو دیگه صدام
چند روزه که بابا از تو بی خبرم
آخه تو رفتی که آب بیاری برام

واحد

دل من بی تو پریشونه ، تا بیاد از تو یه نشونه

روز و شب می گیره بهونه

یادم نمی ره بابا ، بودی روز عاشورا

خیلی غریب و تنها

«بابا حسین جام»

اون روزی که گفتی راهی سفری

می دونستم میاد از تو یه خبری

ای کاش می مُردم من اما نمی دیدم

بر روی نیزه های کوفیا سری

غصه هام بابا بی کرونه ، موی تو چرا پریشونه

لب تو چرا پُر خونه

از جور و جفا هیهات ، از سنگ بلا هیهات

از طشت طلا هیهات

«بابا حسین جام»

زخم سیب

آزاده کربلا / واحد

از شرمندگی لبریزه اگه نگام

اما من با امیدی سوی تو میام

هیچ کس رو دست خالی نمی‌کنی رد

لطف تو بیشتره از بار گناهام

پریشون غم تو هستم ، می‌دونی که راهتو بستم

بمیرم دلتو شکستم

امام او مدم حالا ، من با کوهی از غم‌ها

دستم رو بگیر مولا

«مولانا حسین مولا»

آتیش می‌زنده قلب منو آه تو

اذن میدون می‌گیرم از نگاه تو

آروم نمی‌شه قلب پُر تلاطم

تا نشم آقا جون کشتہ راه تو

غصه هام دیگه ناتمونه ، آخه بعضی توی گلومه
شهادت تنها آرزو مه

می خوام فدایی باشم ، من هم خدایی باشم
کرب و بلایی باشم

یادگار مجتبی / واحد ۲

وقتی که خیمه مثل قفسه برام
مثل جسم عمو غرق خونه چشام
وقتشه کنم اینجا آبرو داری
می پیچه توی گوشم صدای بابام

عموجون فدای تو هستم ، مثه بچه های تو هستم
سپر بلای تو هستم

چشمam پُر بارونه ، خیمه مثه زندونه
بی تو دل من خونه

«مظلوم عمو جانم»

انگار ایستاده ببابام رو بروی من

که وا کرده آغوشش رو به سوی من

نمیشه شرمنده از روی مادرت

مثل علی اصغر میشه گلوی من

نمیگیره دل من آروم ، میبینم مادرتو پهلوی

سپر بلای تو بازوم

غم برده امون من ، ماه غرق خون من

ناقابله جون من

«مظلوم عمو جانم»

ماه قبیله / واحد ۲

همدوش سرداران نامی عمو

میمونم تا پای جون حامی عمو

رنگ میباذه داغ و خستگی و عطش

وقتی میبینم تشنه کامی عمو

واحد

دیگه یاری نداره مولا ، مونده خیلی غریب و تنها

دیگه نوبتِ منه حالا

يا فاطمه رو لب هام ، توفنده تر از دریام

شیر جمله بابام

«ابن الحسن هستم»

تو میدون مثل بابات نداری بدل

گفتی شهادت هست احلی من العسل

اما بمیرم سمتت میاره هجوم

هر کسی کینه داره از خورشید جمل

سهم تو بلای عظیمه ، غرق خون پر یاکریمه

اینکه روضه خونه نسیمه

با بوی گل پرپر ، برپا شده باز محشر

شد تازه غم مادر

«ابن الحسن ای وای»

شیوه زخم سیب پرسنل

شید شش ماهه / واحد ۲

تو گهواره می شه ششم ماهه بی شکیب
وقتی که می بینه بابا شده غریب
داره می گه با زبون بی زبونی
نمی خواد از شهادت بشه بی نصیب

تشنگی بهونه شده تا ، آخرین فدایی بابا
برسه به آرزوش اینجا

رو دست بابا میدون ، می ره با دلی پر خون
با چشمای پُر بارون

«ای وای علی اصغر»

می رسه رو دست بابا به آرزوش
می شه پر پر با تیر سه شعبه گلوش
گل کرده لبخندی رو لب کوچیکش
دیگه شرمنده نیست از چشای عموش

وَاحِدَةٌ وَاحِدَةٌ

غرق خونه پر کبوتر ، یاس ششم ماهه شده پر پر
بابا مونده با گلی بی سر

خوابیده حالا آروم ، با اون چشای معصوم
این ششم ماهه مظلوم

«لای لای علی اصغر»

آسه محمد / واحد ۲

بی همتایی در عزم و شکوه و ادب

بعد از مولا هستی تو فارس العرب

شهادت در راه حق آرزوی توست

«اوَّلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ» داری روی لب

به پا کردی تو دلا محسن ، تویی قدر و یاسین و کوثر
تویی آینه پیمبر

عالی شده تسخیرت ، با نغمہ تکیرت
با ضربه شمشیرت

«جانم علی اکبر»

رفتی میدون و بردى دل حromo

گذاشتی بر دلها درد و داغ و غمو

علیکَ مِنِي السلامتو شنیدم

پاشو علی بین این قامت خمو

بوی یاس پیچیده تو صحرا ، می بینم تن تو رو هر جا

چی او مده به سر تو بابا

عمه او مده حالا ، تا جون ندم ای بابا

از غصه تو اینجا

«ای وای علی اکبر»

سعای عطشان / واحد ۲

می تپه دلهای ما به هوای تو

دلگرمی اهل خیمه صدای تو

آروم می گیره قلب پریشون ما

وقتی که می بینیم قد و بالای تو

واحد

توبی تو که ماه حسینی ، تو که تکیه گاه حسینی
سردار سپاه حسینی

صاحب علمی عباس ، روح کرمی عباس
ماه حرمی عباس

«عباس ابوفاضل»

رفتی و چشمامون بارونیه برات
رفتی و بیتابه از غم تو فرات
علقمه مونده مبهوتِ مرام تو
سیرابه مشک تو خشکه ولی لبات

وقت پرواز تو رسیده ، اما با دستای بریده
چرا غرق خونه دو دیده

قلب تو شده پرپر ، نه از غم دست و سر
از داغ علی اصغر

«عباس ابوفاضل»

عاشر ارداد

جمعند توی خیمه عاشقای حسین

چشماشون بارونی در هوای حسین

می گن جون ما که ناقابله ولی

همه هستی ما فدای حسین

همه قله های صلابت ، آخر شکوه و شهامت

اما بی قرار شهادت

هم دل به حسین داده ، هم در رهش آماده

جان بر کف و آزاده

«لیک حسین مولا»

عصر عاشورا از راه رسیده حالا

رفتن یاران مولا به سوی خدا

از یک طرف داغ لاله های شهید

از یک طرف تنهایی آل عبا

————— واحده —————

آقامون بى كس و غريبه ، ذكر لبهاش أمن يجيبة

أين مسلم أين حبيبه

نه عابس و نه جعفر ، نه قاسم و نه اكبر

موندە آقا بى ياور

«مظلوم حسين مولا»

شام غربان / واحد ۲

زینب موندە با يك دنيا شيون و آه

زینب موندە با اين اطفال بى پناه

اندوه تنهايى و غربت و بلا

کوفيات بى رحم و اين شب سياه

آتيش کينه بى امونه ، شعله‌ها مى کشه زبونه

خيمه‌هاشونو مى سوزونه

واي از غروب غربت ، واي از هجوم و غارت

واي از خصم بى غيرت

«واي از دل زينب»

زخم سیب

زینب بی تاب و دنیای بی وفا

زینب دلخون و درد و غم و بلا

به دنبال عزیز دل مادرش

می گرده در بین پیکر شهدا

غرق خون می بینه تنی رو ، گل سرخ بی کفni رو

یوسف بی پیره‌نی رو

وقتی بوی سیب پیچید، با چشای پر خون دید

رو نیزه سر خورشید

«وای از دل زینب»

داع اسارت / واحد ۲

کی از یادش می ره کوفه بی مرام

کوچه های تنگ و نانجیبی شام

دستای بسته عمه غریبیش

سنگایی که می خورد بهلبای امام

واحد

سهمشه غم و بیقراری ، میبینه از لبای قاری

شده باز خون تازه جاری

یادش نمیره هر شب ، جونش رسیده بر لب

از غصههای زینب

«آقام غریب آقام»

کی از یادش میره اون همه غم و آه

یک قافله آشفته و بیپناه

پاهای پر از آبله یتیما

روی نیزه های بی کسی سرِ ما

غضههاش دیگه بی حسابه ، قاتلش مجلس شرابه

اشکای غربت رباه

صد رنج و عزا دیده ، هم شام بلا دیده

هم طشت طلا دیده

«آقام غریب آقام»

زخم سیب

غروب چلم / واحد ۲

خواهرت بازم به کربلا رسیده

برگشته اما با قامت خمیده

هر جارفتم همراهم بوده سر تو

خوب می دونی که زینب چه ها کشیده

او مدم با کوه مصیبت ، او مدم از سفر غربت

بدارم سرمو رو تربت

حال منو می دونی ، شد این چشم بارونی

راوی پریشوئی

«مظلوم حسین جانم»

او مده زینب بالای مزار تو

آرزومنه جون بدم در کنار تو

ای کاش می مُردم من اما نمی دیدم

جون داده تو خرابه یادگار تو

❖❖❖ واحد ❖❖❖

می خونم با شیون و ناله ، از فراق او ن گل لاله

امون از غصه سه ساله

همراه منه روحش ، کشته منو اندوهش

او ن پاهای مجر و حش

«مظلوم حسین جانم»

غرب مدینه / واحد ۲

یک عمره چشم تو می باره بی صدا

از اول بودی با بی کسی آشنا

از وقتی پیغمبر رفت با یه دل خون

دیدی دستای بسته توی کوچه ها

شعله ای می کشه زبونه ، از دلت مثه در خونه

دل تو داره می سوزونه

دیدی آخه داغ یار ، دیدی چشای خونبار

دیدی تو در و دیوار

«مظلوم حسن جانم»

یک عمره چشم تو می‌باره بی‌صدا

دلخونی از جورِ دنیای بی‌وفا

ندیده از تو هیچ‌کس به غیر کرم

از مردم ندیدی اما غیر بلا

حرفای تو رو نشینیدن ، این همه خوبی رو ندیدن

زیر پات سجاده کشیدن

خونه دل تو حالا ، از مردم بی‌پروا

خیلی غریبی آقا

«مظلوم حسن جام»

خورشید خراسان / واحد ۲

از کوچه میای و داری عبا به سر

از چشمات پیداست حال و هوای سفر

چشمای بارونیت می‌باره بی‌صدا

از قلب خونت آقا کی داره خبر؟

سر به روی خاکا می‌ذاری ، می‌دونم خیلی بی‌قراری
آخه سخته چشم انتظاری

چشمت موشه بر این در ، میاد جوادت آخر
می‌ذاری رُو زانوش سر

«جانم رضا جانم»

قسم به اشکای چشم ترت آقا
قسم به دلتنگی پسرت آقا
بعد از دو ماه اشک و آه و شور و نوا
نگامون بسته است به یک نظرت آقا

روی لب اگه دعا دارم ، اشکی روی گونه‌ها دارم
آرزوی کربلا دارم

هر کس مشکی می‌پوشه ، می‌خواهد از شما توشه
می‌خواهد رزق شش گوشه

یوسف رحیمی

فصل پنجم

واحد تند

خامس آل عما / واحدتند

با یادت آقا هر شب غمی دارم، ماتمی دارم

در قاب شش گوشة قلبم ارباب، حرمی دارم

با روضه های تو عالمی دارم

هر شب در هیئت محرمی دارم

چشم خیس و اشک نمنمی دارم، عالمی دارم

هم نوا با علقمه در چشمانم، زمزمی دارم

بر روی لب های خود دمی دارم

یا حسین جان اسم اعظمی دارم

«خامس آل عما یابن الزهرا، مرا ببر کربلا یابن الزهرا»

جزء گریه کن های غمت ارباب، انتخابم کن

بد حسابم اما آقا جان عبد خود حسابم کن

به جان زهرا نوکر خطابم کن

در پای روضه از غمت آبم کن

زخم سیب

ناباهم اما با لطف خود آقا، از احبابم کن
با زهیر و جون و جعفر و مسلم، هم رکابم کن

یا یک نگاه خود نابِ نایم کن
با گوشه چشمی مثل اصحابم کن

«قبله اهل ولا یابن الزهرا ، مرا ببر کربلا یابن الزهرا»

مرا با یک نگاهتِ الهی کن، شاراللهی کن
به قلب درمانده و مهجور من، یک نگاهی کن

نگاهی به عبد روسياهی کن
تا حرم خود دلم را راهی کن

در طواف صحن کربلای تو، اهل کائنات
دلتنگ بین الحرمین دارم، شوق عتبات

سالار زینب سفينة النجات
دلدار زینب قتيل العبرات

«روح قدر و هل أتى یابن الزهرا، مرا ببر کربلا یابن الزهرا»

جانانی و جان همه عالم، به فدای تو
زیر و رو می شود قلب بی تابم، با دعای تو

شهره در عالم جود و سخای تو
آقائی تو، لطف و وفای تو

روی لب هایم دارم نوای تو، به فدای تو
کی می شود رزق نینوای تو، کربلای تو

کبوتری باشم در هوای تو
آقا در بین صحن و سرای تو

«زینب دوش طاها یابن الزهراء، مرا ببر کربلا یابن الزهراء»

یوسف رحیمی

زخم سیب پرسه

ای کربلائی حسین / واحدتند^۲

دلتنگم و شیدای شب‌های تماشای شش گوشة زیبای

صحن و سرای حسین ، کرب و بلاقی حسین

آقا می دونی عالمی دارم با غم تو

چشم امید من به مرام و کرم تو

کی قسمت من می شه بیام تا حرم تو ، من با علم تو

پر می زنه قلبم به هوای تو

شد کعبه من کرب و بلاقی تو

داری دل پر رازی ، تو کعبه اعجازی ، تو مقصد پروازی

ای نینوای حسین ، ای کربلائی حسین

با عشق تو سهم دلامونه بی شکیبی

تو مأمن دلهای پریشون و غریبی

از هر وجب خاک تو میاد بوى سیبی ، میاد بوى سیبی

روی شونه تو علم حسین

تو قلب تو ساکن حرم حسین

~~~~~ واحد تند ~~~~

نورت تا ابد باقی ، تو مبدأ اشراقی ، تو مقتل عُشّاقی

ای نینوای حسین ، ای کربلای حسین

ای کربلا دیدی تو تجلی وفا رو

دیدی شکوه جان فشانی عاشقا رو

تنها نگذاشتند دمی هم خون خدا رو ، دیدی تو وفا رو

هستی شونو دادن برای حسین

بودن با دل و جون فدای حسین

دریا دل و بی همتا ، دلهای همه شیدا ، هرچی که دارن

یکجا

می دن برای حسین ، می شن فدای حسین

تو معركه برپا می کنند صبح قیامت

هستی شونو می دن به راه حق با شهامت

می گن که حسین جان سر تو باشه سلامت ، ای روح امامت

می دن جونشونو به راه حسین

تا غم نشینه تو نگاه حسین

زخم سیب

ای ملچا هر سائل ، ای ساقی دریادل ، مولا یا ابوفضل
ای باوفای حسین ، ای دلربای حسین

وقتی می پیچه تو حرم تو شمیم یاس
این عطر قدمهای خود حضرت زهراء
با ام بنین او مده تا صحن تو عباس ، تا صحن تو عباس

غوغایی به پا می شه توی حرم
وقتی به تو زهراء می گه پسرم

یوسف رحیمی

یا عزیز الزهرا / واحدتند ۲

فصل عاشقی و فصل بیعت توست

عالی حیرون از عزم و همت توست

حالا که تو هستی کشتنی نجاتم

او جب الواجبات من هیئت توست

نمی دونم چه سریه تو روضه هات ارباب

می سازه بنده صالح از نوکر ناباب

«یا عزیز الزهرا حسین»

بوی دود اسپند، بوی سیب حرم

موج پر چما و نسیم محرم

می شه باز زنده خاطرات کودکی

شور تکیه ها و چایی تازه دم

اگه من نوکرم، نوکرِ حضرت عباس

برکت سفره بی ریای اون قدیما س

«یا عزیز الزهرا حسین»

خوش به حال کسی که با تو انسه

می شه زائر تو با چشمی که خیسه

میون روشهات اشک با معرفت

واسه نوکرت گوهری نفیسه

قطره قطره می شه اشکامون سیل خروشان

قیامت می کنه تو دلا ذکر حسین جان

«یا عزیز الزهرا حسین»

آسمون دلم رنگ دنیا داره

ولی باز دلخوشه هنوز آقا داره

شبای جمعه ابری و بیقراره

شنیدم که می گن دل به دل راه داره

نگیر از من آقا شوق دیدار حرم رو

بگو که عاقبت می خرم این نوکرم رو

«یا عزیز الزهرا حسین»

وَاحِدَتْنَاهُ

خیمه امن تو پناه نوکراست

عشق شیرین تو بهترین تمناست

کربلا میام هر روز با پرواز دل

زیارت عاشورا بال پرواز ماست

آرزو دارم انتقام تو رو بگیرم

نصبیم کن که در رکاب مهدی بمیرم

«یا عزیز الزهرا حسین»

غبطه می خوره حتی بهشت برین

به صفاتی صحن یل ام البنین

اونایی که رفتن کربلا می دونن

به قشنگی اون جایی نیس رو زمین

اونجا که می پیچه هر سحر عطر گل یاس

اونجا که اولین زائرش حضرت زهراس

«یا ابو فاضل یا ابا الفضل»

زخم سیب

شهدا شدن با غم عشق آشنا

بستن احرام خون به طوف کربلا

دیدن آخرین دم جمال حسینو

عاشقونه جون دادن به راه خدا

بهای کربلا سر دادن مثل شهیداست

سر دادن برای ارباب بی سر چه زیباست

«یا عزیز الزهرا حسین»

منطق حسینه نه تسلیم نه سازش

فراموش نمی شه هرگز این سفارش

عددی نیست برا لشکر ابالفضل

آمریکا، اسرائیل، وهابی و داعش

پرچمی می زنیم بر فراز عالم آخر

حک می شه روی اون نام دلربای حیدر

یونس سبزی

یا شارالله وابن ثاره / واحد تند^۴

پرچم ماتمت روی دوشم

شکر خدا که باز مشکی پوشم

غم تو تو چشم‌امه ، همه دنیامه

بیام کربلا ، همین رؤیامه

چشم عالم غم می‌باره ، سینه‌زننت ماتم داره

با یاد تو بی‌قراره ، یا ثارالله وابن ثاره

«حسین ابا عبدالله ، ابا عبدالله ، ابا عبدالله»

حیٰ علی العزا اهل العالم

ماه محرمہ ماہ ماتم

با قلبی غرق در خون ، توی آسمون

ملائک می‌شن ، برات روضه‌خون

اشک عزات روح زمزم ، پرچم سیات نورِ عالم

اسمت آقا اسم اعظم ، یا ثارالله وابن ثاره

زخم سیب

عکس ضریح تو رو بروم
دیدن کربلات آرزو مه

تو این شبای غربت ، شمیم تربت
میاره من رو ، بازم تا هیئت

هر کس برات مشکی پوشه ، می گیره از دستت تو شه
راهی می شه تا شش گوشه ، یا ثار الله وابن ثاره

«حسین ابا عبدالله ، ابا عبدالله ، ابا عبدالله»

بی تو آقا چقدر بی سامونم
نوکر هیئتِ تو می مونم

ز هر غمی آزادم ، به تو دل دادم
فقط تو محشر ، نبر از یادم

دل رو برده با نگاهی ، تو بهترین تکیه گاهی
تا خدا نیست جز تو راهی ، یا ثار الله وابن ثاره

محمد رضا رضایی

فصل ششم

شور

سالار زینب / شورا

امیدم یه نگات ، هستی مون به فدات

جون می دم یه روزی ، توی بزم عزات

جون می دم پای پر چم تو

می میرم یه روز از غم تو ، آقا جون تُو محرم تو

می دونم وقتی که خدا می شه خونبهات

وقتی که یاس سه ساله می میره برات

جون من ناقابله که باشه به فدات

قلیم نذر غمت ، قربون کرمت

کی من رو می بری ، بازم تا حرمت

هیچ جا نیست به صفائ حرم

دلتنگم به هوای حرم ، دلتنگ سحرای حرم

می باره توی حرمت انوار خدا

با بهشت کاری ندارم ای روح وفا

وقتی که جا مونده دلم تو کرب و بلا

سر دادی تا باشه ، این مکتب سرفراز
خونت حافظِ دین ، عشقت روح نماز
با نورت روشنه راه ما
راهی که می‌رسه به خدا ، راه ماست راه کرب و بلا
گرچه دل لبریز غمه از غربت تو
برقرار مونده راهِ حق با نهضت تو
تا ابد این عزت ماست از عزت تو

چی می‌شه وا کنی ، با لطفت بالمو
می‌خوام با تو باشم ، هر روز سالمو
هر عاشق که حسینی باشه
تا آخر کنار آقاشه ، تا روزی که براش فدا شه
دعاهام با یک نگاهت می‌شه اجابت
او مدم امشب بگیرم از تو یه حاجت
من می‌خوام از دستای تو رزق شهادت

یوسف رحیمی

تصدق علینا / شور ۲

بهشتم شبای روضه هات

بهشتم یه گوشه نگات ، بهشتم طواف کربلات

یه عمره برا تو آقا بی قرارم

می دونی دیگه تو دنیا غم ندارم

به روی ضریح تو که سر می ذارم

حسین ای نور دلها ، امید اهل دنیا

شفیع صبح فردا

رسیده شبای ماتمت

رو دوشم علم و پرچمت ، می میرم یه روزی از غمت

دوباره حسینیه می شه دلامون

الهی بگیره امسال باز داعمون

که باشیم اربعین تُو صحن آقامون

می ذاره سر به راهت ، غلام رو سیاهت

فدای یک نگاهت

بین آرزوی قلب ما
برای سینه زدن آقا ، بده رخصتی به نوکرا

چی می شه از نگاهت حاجت بگیریم
چی می شه که میون روضهت بمیریم
تصدق علینا که خیلی فقیریم

الهی من فدات شم ، فدای یک نگات شم
فدای بچه هات شم

شده آرزوی نوکرات
دوباره دیدن کربلات ، آقا جون به ما بده برات
خدا با غم تو قلیم رو سر شته
رو قلیم اسم تو رو زهرانو شته
برا من حرم تو عین بهشتہ

حسین ای مهر و ماهم ، پناه هر دو عالم
تویی تو اسم اعظم

محمدجواد قدرتی

سینه الحات / شور ۳

از همون کودکی با غمت آشنا شدم
عاشق روضه و عاشق کربلا شدم

با یه گوشه نگاهی دلم رو دریاب
من غلام تو هستم تویی تو ارباب

من گدای آشنا ، تو امیر با وفا
کاش بشه یه روز بیام آقا به کربلا

آبروی منه اشک و آه و غمت حسین
داغمو تازه کرد سرخی پرچمت حسین

شکر خدا به ماهِ عزات رسیدم
شکر خدا لباس سیاه پوشیدم

من روضه خون شمام ، این عبادته برام
باز حی علی خیرالعمله رو لبام

«حسین غریب کربلا»

بی پناهم حسین روضه تو پناهمه

کعبه من تویی کربلا قبله گاهمه

کاش تا نفس آخر بگم حسین جان

حتی میون محشر بگم حسین جان

ای سفینه النجات ، کاش تو خیمه عزات

من بمیرم آخرش بشه جونم فدات

تو محرم دلم دلگیره مثل آسمون

تا که اسمت میاد چشم من می شه روضه خون

باز دوباره نسیم حرم وزیده

این دلا رو به سوی ضریح کشیده

وای بمیره نوکرت ، از غصه خواهرت

وای تو قتلگاه میاد صدای مادرت

«حسین غریب کربلا»

زخم سیب

تا نفس می کشم عشق تو دین و مذهبم
ای علمدار عشق! من فدایی زینیم

عشق تو به دو عالم می ارزه آقا
از شکوه تو دشمن می لرزه آقا

با دعای مادرم ، شد نذر غمت سرم
کاش آقا منم بشم مدافع حرم

«حسین غریب کربلا»

محمد رضا رضایی

ادرکنی / شور ۴

تکیه گاهم آقا بی پناهم آقا رو سیاهم آقا، ادرکنی
غرق آهم آقا کن نگاهم آقا، ادرکنی

مثل حرّ و زهیر، مثل جُون و وهب
می خوام که جون بدم، واسه تو تشنه لب

«صلی اللہ علیک یا ابا عبد اللہ»

باز محرم او مد شور عالم او مد ماه ماتم او مد، واویلا
خیمه ها برپا شد میزبان زهراء شد، یا زهراء

لبریزم از شوق شب های رؤیایی
می بارم تو هیئت، با چشمی دریابی

«صلی اللہ علیک یا ابا عبد اللہ»

توی این و انفسا افتخارم اینه که حسین آقامه، آقامه
هر کسی محروم از فیض کربلا شد، ناکامه

زخم سیب

نمک زندگیم ، شور این روضه هاست
زندگی با حسین ، خدائیش با صفات

«صلی الله علیک یا ابا عبد الله»

اربعین هر ساله این همه زائر از کل دنیا داری، سالاری
تا ابد تو قلب عاشقات جا داری، دلداری
با پای پیاده ، شیوه خواهرت
میایم تا کربلا ، که باشیم لشکرت
«لیک یا حسین ، لیک یا حسین»

السلام ای ساقی تا همیشه باقی در دل عشاّقی، یا عباس
ای سپهدار عشق ای علمدار عشق، یا عباس
معنای ایثار و آبروی ادب
ستون خیمه‌ها ، یا کفیل الزینب
«صلی الله علی ابا الفضل العباس»

یونس سبزی

فصل هفتم

نوای پایانی

عَمَدُ حُونٍ / نوای پایانی ۱

صفا و کرمت رو ، سایه علمت رو
شبای حرمت رو ، نمی دم به دو عالم
زنده می شه دلامون ، نور می گیره نگامون
مستجابه دعامون ، تو شبای محرم

عمریه که دلم رو به نگاه تو بستم
می دونی آخه بی تو خیلی خالیه دستم
ندارم غمی اما وقتی که با تو هستم

می دونم ذره پروری ، می دونم منو می خری
تا حرم آقا می بری

«بابی انت و امی ، یابن حیدر یابن زهراء»

این همه اقتدار و ، این شکوه و وقار و
عزت و افتخار و ، داریم از شهدامون
یاد اون وفاداری ، اون همه فداکاری
اشکامون می شه جاری ، بی قراره دلامون

رفتن او نا تا باشه سربلند کشور ما
همیشه توی دنیا باشه بالا سر ما
لحظه ای خم به ابرو نیاره رهبر ما

یادشون زنده تو دلاست ، نامشون آبروی ماست
خاکشون مته کربلاست

اون جوونای عاشق ، او گلای شقایق
جلوه جلوه حقایق ، آفریدن و رفتن
وقت یاری آقاست ، اما نوبت ماهاست
چشم امید او ناست ، حالا سوی تو و من

می مونیم تا پای جون همه یار ولایت
دریابی بی کرونہ این شکوه و شهامت
نداریم آرزویی آخه غیر شهادت

روی لبها شهادتین ، به یاد خورشید خمین
عهد خون بسته با حسین

زخم سیب

دلامون بی قراره ، چشامون که می باره
هوای تو رو داره ، العجل حجه الله
ای پناه دو دنیا ، ای مسافر زهرا
یه روزی از این روزا ، می دونم میای از راه

تو بیا که بگیره دنیای ما صفاایی
بگیره زندگی مون رنگ و بوی خدایی
تو بیا و تُو دلها به پا کن کربلایی
چی می شه آشنات بشم ، زائر یه نگات بشم
الهی که فدات بشم

«بابی انت و امی ، یابن حیدر یابن زهرا»

یوسف رحیمی

کل یوم عاشورا / نوای پایانی ۲

تهدید و تحریم ، اثر ندارد

دشمن ز عزم ، خبر ندارد

معنای کُلُّ يَوْمٍ عاشورا ، معنای کُلُّ أَرْضٍ كربلا
يعنى همواره در ره مكتب ، آماده شهادتيم مولا

وقتی که در رگهای ما خون شهید کربلاست
هیهات من الذله هم فرياد آزادی ماست

در دلها داريم ، فروع ايمان

به لطفِ خون ، پاکِ شهيدان

سرخی خاکِ فکه و مجنون ، شور و خروش کرخه و کارون
راويِ غيرت شهيداني است ، که می‌رفند با چهره‌اي گلگون

پر می‌زدند تا عرش حق آن لاله‌های بی‌نشان
این عزت و آزادگی ست مدیون خون پاکشان

تا در سر ماست ، شور شهادت

راه نجات است ، راه ولایت

ما شیعیان حیدری هستیم ، ما همزادِ دلاوری هستیم
تا پایِ جان تا لحظه آخر ، همواره یارِ رهبری هستیم

از نهضت ماه خمین است این سرافرازی ما

همواره راه سرخ ماست راه شهید کربلا

العجل مولا ، بقیة الله

یا ابا صالح ، یا حجه الله

جان مستضعفان رسد بر لب ، دلهای شیعه غرق تاب و تب
بیا با ذوالفقار مولائی ، بیا تا صحن حضرت زینب

چشم انتصارت دیده لبریز اشکِ فاطمه

آقا بیا با شوکتِ سرو رشیدِ علقمه

یوسف رحیمی

فهرست مطالب

فهرست مطالب

۵	زمزمہ
۶	ماه عزا / زمزمه
۷	کاروان عشاق / زمزمه
۸	یاس سه ساله / زمزمه
۹	دو ماہ زینب / زمزمه
۱۰	یادگار مجتبی / زمزمه
۱۱	ماه قبیله / زمزمه
۱۲	شهید ششم ماهه / زمزمه
۱۳	آینه محمد / زمزمه
۱۴	سقای عطشان / زمزمه
۱۵	عاشروا / زمزمه
۱۶	شام غریبان / زمزمه
۱۷	زمینه
۱۸	السلام علی الحسین / دم شروع سینه زنی

زخم سیب

۲۰	غريب کوفه / زمينه
۲۱	کاروان عشاق / زمينه
۲۲	یاس سه ساله / زمينه
۲۳	آزاده کربلا / زمينه
۲۴	يادگار مجتبی / زمينه
۲۵	ماه قبیله / زمينه
۲۶	شهید ششماهه / زمينه
۲۷	آينه محمد / زمينه
۲۸	سقای عطشان / زمينه
۲۹	عاشورا / زمينه
۳۰	شام غريبان / زمينه
۳۱	نوحه
۳۲	غريب کوفه / نوحه
۳۳	کاروان عشاق / نوحه
۳۵	یاس سه ساله / نوحه
۳۶	دو ماه زينب / نوحه

فهرست مطالب

۳۸	یادگار مجتبی / نوحه
۳۹	ماه قبیله / نوحه
۴۱	شهید ششم ماهه / نوحه
۴۲	آینه محمد / نوحه
۴۴	سقای عطشان / نوحه
۴۶	عاشرها / نوحه
۴۸	شام غریبان / نوحه
۴۹	داغ اسارت / نوحه
۵۰	وارث عاشرها / نوحه
۵۱	غروب چهلم / نوحه
۵۲	رحمة للعالمين / نوحه
۵۳	غريب مدینه / نوحه
۵۴	خورشید خراسان / نوحه
۵۵	واحد
۵۶	غريب کوفه / واحد
۵۷	کاروان عشاق / واحد

زخم سیب

۵۸	یاس سه ساله / واحد ۱
۵۹	دو ماه زینب / واحد ۱
۶۰	یادگار مجتبی / واحد ۱
۶۱	ماه قبیله / واحد ۱
۶۲	شهید ششم ماهه / واحد ۱
۶۳	آینه محمد / واحد ۱
۶۴	سقای عطشان / واحد ۱
۶۵	عاشورا / واحد ۱
۶۶	شام غریبان / واحد ۱
۶۷	داغ اسارت / واحد ۱
۶۸	غروب چهلم / واحد ۱
۶۹	رحمه للعالیین / واحد ۱
۷۰	غیرب مدینه / واحد ۱
۷۱	خورشید خراسان / واحد ۱
۷۲	غیرب کوفه / واحد ۲
۷۳	کاروان عشاق / واحد ۲

فهرست مطالب

۷۴	یاس سه ساله / واحد ۲
۷۶	آزاده کربلا / واحد ۲
۷۷	یادگار مجتبی / واحد ۲
۷۸	ماه قبیله / واحد ۲
۸۰	شهید ششم ماهه / واحد ۲
۸۱	آینه محمد / واحد ۲
۸۲	سقای عطشان / واحد ۲
۸۴	عاشورا / واحد ۲
۸۵	شام غریبان / واحد ۲
۸۶	داغ اسارت / واحد ۲
۸۸	غروب چهلم / واحد ۲
۸۹	غیرب مدینه / واحد ۲
۹۰	خورشید خراسان / واحد ۲
۹۲	واحدتند
۹۳	خامس آل عبا / واحدتند ۱
۹۶	ای کربلای حسین / واحدتند ۲

زخم سیب

۹۹	يا عزيز الزهرا / واحدتند ^۳
۱۰۳	يا ثارالله و ابن ثاره / واحدتند ^۴
۱۰۵	شور
۱۰۶	سالار زینب / سور ^۱
۱۰۸	تصدق علينا / سور ^۲
۱۱۰	سفينة النجات / سور ^۳
۱۱۳	ادرکنی / سور ^۴
۱۱۵	نوای پایانی
۱۱۶	عهد خون / نوای پایانی ^۱
۱۱۹	کل یوم عاشورا / نوای پایانی ^۲